روزنامه شرق

جهان

شعروارگی فضای معماری — صفحه ۱۰

این طردشدن و مرادنبودن — صفحه ۱۱

مخاطب بسیار مهم است اما نه به اندازه خود موسیقی — صفحه ۱۲

پاریس؛ صحنه مصاف بنیادگرایی و ارزش‌های لیبرالیسم

نوژن اعتضادالسلطنه

تیراندازی در کنسرت موسیقی گروه راک آمریکایی «ایگلز آو دث متال» در سالن «باتاکلان»، تیرباران با اسلحه کلاشنیکف در رستوران «کامبوج» و دو انفجار در نزدیکی استادیوم «دوفرانس». اینها نتیجه جنایات اخیر داعش در پاریس هستند که همگی در یک مسئله نقطه اشتراک دارند: حمله به مراکز تفریحی و سرگرم‌کننده. داعش به طور هدفمند مکان‌هایی را هدف حمله قرار داده که همگی نمادهای پناه‌بردن انسان مدرن در زمان فراغت از یک هفته کار روزانه هستند؛ زمانی برای آسودگی خیال و رهاشدن از دغدغه‌های روزمره و برای کمی لذت‌بردن از زندگی. آنچه داعش هدف قرار داد، شیوه زندگی مدرن بود که برآمده از «لیبرالیسم» به‌خصوص در حوزه فرهنگی است.

کمی پس از حمله اعضای داعش به دفتر نشریه «شارلی ابدو» در ژانویه ۲۰۱۵ میلادی، شماره هشتم نشریه «دابق» (ارگان رسمی داعش) مصاحبه‌ای را با فردی به نام «ابومقاتله» منتشر کرد. او که مدتی در فرانسه زندانی بوده و پس از آزادی در تونس مشغول انجام عملیات تروریستی شده بود، در پاسخ به این پرسش که چه پیامی برای کفار ساکن فرانسه دارد گفت: «به آنان می‌گویم که به‌زودی و به اذن خداوند پرچممان را بر فراز الیزه به اهتزاز درخواهیم آورد. داعش اکنون به این هدف نزدیک شده است. بین ما و شما فاصله یک دریاست. به اذن خدا این مسیر را می‌پیماییم تا به شما برسیم. زنان و کودکان شما توسط ما در بازارهای داعش به فروش خواهند رسید». در همان زمان داعش نوشت: «در «لیون» فرانسه یک مسلمان شجاع به کارخانه‌ای وارد شد و سر یک فرانسوی کافر، یک جنگجوی صلیبی را برید». این در حالی بود که فرد کشته‌شده کارگر کارخانه گاز شهر لیون بود.

اما به‌راستی ریشه این نفرت عمیق از غرب و ساکنان کشورهای غربی و نوع زندگی آنان نزد اعضای داعش و سایر گروه‌های بنیادگرای مشابه چیست؟ برای درک بهتر چرایی و چگونگی برنامه‌ریزی برای تعیین اهداف حملات داعش باید به تضادهای فلسفی از بُعد هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی داعش و غرب توجه کرد.

لیبرالیسم از آغاز کوششی به‌منظور تعیین حوزه خصوصی فرد در برابر اقتدارگرایی دولتی بوده است. باور به آزادی‌های فردی و مدنی اساس فلسفی لیبرالیسم است. از این دیدگاه همه انسان‌ها از خرد بهره‌مند هستند و خردمندی ضامن آزادی فردی است و این دو مؤلفه‌هایی جدایی‌ناپذیر از یکدیگر هستند. لیبرالیسم سلب آزادی از فرد را نفی خردمندی از او و نفی توان خردورزی می‌داند. لیبرالیسم نه صرفا یک ایدئولوژی سیاسی که نوعی راه زندگی است، به این معنا لیبرالیسم از آغاز همزاد و همراه سکولاریسم یا تفکیک نهاد دین از دولت بوده است که بارزترین شکل آن در فرانسه پس از انقلاب کبیر جریان داشته است. مدرنیسم یا سنت‌ستیزی، فلسفه اختیار یا جبرستیزی، فردگرایی، اعتقاد به دموکراسی و نظام نمایندگی، خردگرایی و علم‌گرایی همگی مؤلفه‌های اساسی تفکر لیبرال هستند. نقطه اوج اومانیسم (انسان‌گرایی) مدنظر لیبرالیسم را می‌توان در اعلامیه حقوق‌بشر و شهروند مصوب مجلس انقلابی فرانسه در سال ۱۸۷۹ میلادی دید؛ آنجا که می‌گوید: «انسان‌ها آزاد و از نظر حقوق برابر خلق شده‌اند. هدف جامعه حفظ حقوق انسان است». از این دیدگاه انسان‌ها آزاد به دنیا آمده‌اند و صاحب اختیار و اراده هستند. با تکیه بر اصل مداراست که جامعه و دولت نباید در فعالیت‌های افراد مداخله کنند.

در مقابل اما بنیادگرایان جهان بینش کاملا متضادی دارند. در این انگاره جهان به دو اردوگاه خیر و شر تقسیم می‌شود. از دیدگاه داعش آنانی هم که بی‌طرف باقی مانده‌اند، رمه‌هایی هستند که نه این طرف قرار دارند و نه آن طرف. نگاهی به نشریه دابق که جنبه آموزشی و اطلاع‌رسانی برای گروه داعش دارد می‌تواند دیدگاه روشن‌تری از حضور این جهان‌بینی نزد آن گروه را آشکار کند. داعش در نشریه خود اشاره می‌کند که نیروهای کافر و مرتد درصدد هستند تا مسلمانان را دچار تفرقه‌های قومی، قبیله‌ای و نژادی کنند و از این طریق مانع از شکل‌گیری یک امت واحد شوند. در بخشی از شماره یازدهم نشریه دابق تحت عنوان «از نبرد احزاب تا جنگ با ائتلاف» آمده است: «ائتلاف ۶۰ کشور علیه «دولت اسلامی» ائتلافی است از ناباوران که علیه اسلام و مسلمانان خواستار ایجاد امت یکپارچه می‌جنگند». از همین‌روست که در تمامی شماره‌های آن نشریه حمله اصلی داعش در کنار دموکراسی علیه «ناسیونالیسم» است. داعش ضمن نفی هرگونه تعلقات نژادی می‌نویسد: «نژادپرستی همانند ناسیونالیسم ابزاری برای تضعیف فرزندان آدم و جلوگیری از دستیابی آنان به حقیقت است. اسلام نمی‌پذیرد که مسلمانان دچار این افکار پست و تفرقه ناشی از آن شوند».

«ام سمیه المهاجره» در مقاله‌ای در نشریه داعش تحت عنوان «قانون الله یا قانون انسان» در ماه رمضان می‌نویسد: «شهدا جان خود را در راه خدا و برای پایمال‌کردن دموکراسی و ناسیونالیسم می‌دهند. یک مجاهد در برابر مفاهیم نازلی چون دولت مدنی، میهن‌پرستی و ملی‌گرایی، سکولاریسم، دموکراسی و سوسیالیسم قرار دارد که همگی مخالف اهداف خداوند هستند و چیزی بیش از رسوایی فرد را در دنیا به‌همراه نخواهند داشت. افرادی که اسیر آن مفاهیم هستند وارد آتش سوزان در آخرت خواهند شد». در همین راستا، «ابوبکر البغدادی»، خلیفه خودخوانده داعش، نیز در سخنرانی ماه رمضان خود گفته بود که داعش می‌خواهد بت ناسیونالیسم و دموکراسی را در هم بشکند و ماهیت انحرافی آن را آشکار کند.

جزم‌اندیشی داعش آوارگان سوری را نیز شامل می‌شود. کسانی که برای حفظ جان خود از مناطق تحت اشغال داعش گریخته‌اند، از سوی آن گروه خائن قلمداد می‌شوند. دابق در این‌باره می‌نویسد: «متأسفانه برخی از سوری‌ها و لیبیایی‌ها دوست دارند جان و روح خود را به خطر بیندازند و به سرزمین‌های صلیبیون محارب که در حال تحمیل جنگ بر داعش هستند سفر کنند؛ سرزمین‌هایی که قانون بی‌خدایی و کفر بر آنها حکمفرماست. بیشتر این افراد خانواده‌هایشان را نیز به سرزمین‌های صلیبیون می‌برند سرزمین‌های خلافت را به مقصد آمریکا و اروپا ترک می‌کنند تا به دنیاطلبی رضایت دهند».

این نشریه در تشریح بیشتر چرایی گناه‌آمیزبودن ترک به زعم آن گروه «دارالاسلام» می‌افزاید: «مهاجرت آنان سبب می‌شود تا فرزندانشان از اسلام به مسیحیت، بی‌خدایی یا لیبرالیسم تغییر گرایش دهند. آنان تحت خطر دائمی زنا، لواط، مواد مخدر و الکل هستند. اگر هم به دامان گناه نیفتند قطعا زبان عربی که همانا زبان قرآن است را فراموش می‌کنند؛ زبانی که آموزش در شامات و لیبی و عراق با آن انجام می‌شود و در صورت بازگشت این افراد آموزش دینی به آنان دشوار خواهد شد». از دیدگاه داعش افرادی که از کشورهای اروپایی به عراق و سوریه آمده‌اند و به آن گروه می‌پیوندند در محیطی پر از فساد و جنایت رشد کرده بودند و تا پیش از عضویت در آن گروه در دوران جاهلیت به‌سر می‌بردند.

امروزه داعش با بهره‌گیری از ادبیات تاریخی و القای تصور لزوم تکرار تاریخ قصد دارد تا بار دیگر به «هراس» اروپا از مسلمانان دامن بزند؛ هراسی که نتیجه‌ای جز یکی‌پنداشتن اکثریت مسلمانان میانه‌رو با اسلام‌گرایان تندرو و سوءاستفاده ابزاری جریانات دست‌راستی ملی‌گرای افراطی در اروپا نخواهد داشت

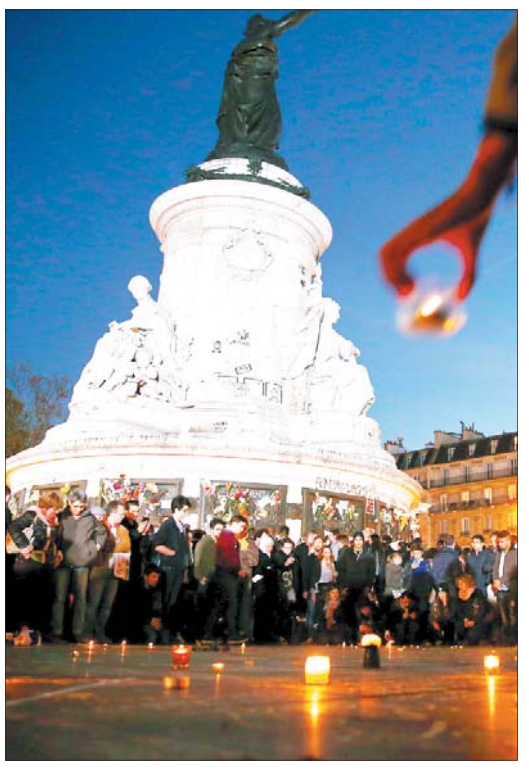

اگر داعش در کنسرت و استادیوم کشورهای اروپایی بمب‌گذاری می‌کند و به تیراندازی متوسل می‌شود، برای اجرای قوانین خود خشونت مستقیم را در مناطق تحت اشغالش در عراق و سوریه به کار می‌بندد. برای مثال، در ژانویه ۲۰۱۵ خبری منتشر شد که نشان می‌داد فردی به اتهام استفاده از کیبورد الکترونیک و نواختن موسیقی به ۹۰ ضربه شلاق محکوم شده است. ضدیت با ورزش نیز از سوی داعش به حدی رسید که در همان ماه خبر اعدام ۱۳ هوادار فوتبال که به تماشای بازی میان دو تیم عراق و اردن در جریان برگزاری مسابقات جام آسیایی مشغول بوده‌اند در موصل منتشر شد. همچنین قانون ممنوعیت موسیقی در تمامی خودروها، مغازه‌ها و محافل عمومی در «رقه» سوریه به دلیل «فسادبرانگیز» قلمدادکردن و مخالف «اسلام و قرآن»دانستن آن اجرا شده است.

دیدگاه آخرالزمانی داعش و قطعی‌دانستن پیروزی خود بر غرب به مخالفت آن گروه با جنبه فرهنگی لیبرالیسم محدود نمی‌شود بلکه حوزه سیاسی را نیز دربر می‌گیرد و به ضدیت با دموکراسی می‌انجامد؛ آنجایی که در مخالفت با دموکراسی مثال دولت حماس در نوار غزه را مورد اشاره قرار داده و در نشریه سازمانی خود می‌نویسد: «رهبران آن گروه مدعی هستند که علیه یهودیان سال‌هاست که جهاد می‌کنند اما واقعا این‌گونه است؟ خیر، واقعیت آن است که حماس یک جریان شبه‌نظامی ملی‌گراست که خود را به‌طور کامل با دموکراسی از سال ۲۰۰۵ میلادی انطباق داده و وارد انتخابات قانون‌گذاری، محلی و ریاستی شده و قوانین انسان‌ساخته را پذیرفته است». داعش در ادامه در نکوهش دیدگاه‌های «شیخ احمد یاسین»، رهبر پیشین حماس که توسط رژیم اسرائیل ترور شد، می‌نویسد: «او در مصاحبه‌ای در پاسخ به این پرسش که آیا شما نیز همچون مردم فلسطین دولتی دموکراتیک می‌خواهید گفته بود که بله من هم همین نظر را دارم. او همچنین در پاسخ به این پرسش که اگر یک حزب کمونیست در انتخابات پیروز شود آیا حماس نتیجه را خواهد پذیرفت نیز پاسخ مثبت داده بود».

اما گروه‌های دیگری در تاریخ معاصر نیز دیدگاه‌هایی بنیادگرایانه را ارائه داده‌اند. شیخ «محمد غزالی»، از فقهای مصر، که تأثیر زیادی را بر اندیشه اخوانی‌های این کشور گذاشت، در سال ۱۹۴۸ کتابی را منتشر کرد که نمایانگر برداشت‌های بنیادگرایانه است. او می‌گوید: «یک مسلمان واقعی باید وسوسه‌های زندگی بی‌بندوبار» را ترک کند و در توصیف چنین سبک زندگی‌ای می‌افزاید: «ظواهر فریبنده، گردش‌ها و مسافرت‌های بی‌حساب‌وکتاب» همه ناشی از شیوه زندگی غربزده هستند.

شاید در دوران مدرن هیچ اندیشمندی در قامت «سید قطب»، تئوریسین مصری، در این زمینه نقش‌آفرینی نکرده باشد. او که تأثیرپذیر از «محمدبن عبدالوهاب» بود، به لزوم پاکسازی جهان اسلام و تصفیه اساسی باور داشت. از دید قطب، آثار و نشانه‌های نفوذ غرب در میان مسلمانان را در همه‌جا می‌توان دید؛ نفوذی که مبنای اصلی آن ایجاد فساد بوده است. قطب ازاین‌رو تأثیر مهمی در تقویت دیدگاه ضدغربی در جهان اسلام داشت.

از دیدگاه قطب، آزادی فردی سبب می‌شود تا تمایلات حیوانی بر انسان غلبه کنند و او از پرستش خدا دور شود. قطب نیز پس از دوران اقامت کوتاه‌مدتش در آمریکا بر شدت حملات خود علیه ارزش‌ها و فرهنگ غربی افزود. نژادپرستی، مادی‌گرایی، آزادی فردی، آرایش زنان و تعریف آن در قالب ابتذال، هیجانات ورزشی و اختلاط «حیوانی» جنسیت‌ها (حتی در موقع رفتن به کلیسا) کلیدواژه‌های قطب از برداشت او از کلیت غرب بودند. قطب پس از بازگشت از آمریکا با انتشار مقاله‌ای با اشاره به رفتارهای جنسی در آمریکا به‌شدت از آمریکایی‌ها انتقاد کرد و نوشت: «دختر آمریکایی کاملا به افسونگری‌های بدنش آگاه است. او همه اینها را می‌داند اما باز هم بدنش را نمی‌پوشاند».

برنارد لوئیس در کتاب «برخورد فرهنگ» از رقابت اسلام و مسیحیت در سرتاسر قرون وسطا نوشته است؛ به باور او انگیزه اصلی این رویارویی «ترس» از یکدیگر بوده است و از سه دوره تهاجم سپاهیان به سرزمین‌های مسیحی‌نشین که از حمله اوایل قرن هفدهم به شرق مدیترانه آغاز شد و با عقب‌نشینی قوای ترک از پشت دیوارهای شهر وین در سال ۱۶۸۳ میلادی ادامه یافت؛ بازه زمانی حدودا هزارساله‌ای که مسیحیان در هراس دائمی از خطر حمله قریب‌الوقوع مسلمانان زندگی می‌کردند و با سومین دوره تهاجم مربوط به دوران سلجوقیان و ترک‌های عثمانی پس از فتح آناتولی توسط مسلمانان که تحت حاکمیت امپراتوری بیزانس بود، پایان یافت. امروز داعش با بهره‌گیری از ادبیات تاریخی و القای تصور لزوم تکرار تاریخ قصد دارد تا بار دیگر به «هراس» اروپا از مسلمانان دامن بزند؛ هراسی که نتیجه‌ای جز یکی‌پنداشتن اکثریت مسلمانان میانه‌رو با اسلام‌گرایان تندرو و سوءاستفاده ابزاری جریانات دست‌راستی ملی‌گرای افراطی در اروپا نخواهد داشت.

نگاه

نبرد اطلاعاتی با داعش

رها معتمدی: حملات به پاریس فرانسه، یادآور افزایش و تعدد دشواری‌های آژانس‌های اطلاعاتی غربی و آمریکایی در رهگیری داعش است و بیانگر این مسئله است که تلاش‌های آنها برای انجام رهگیری مظنونان داعش رو به سختی و روزهای تاریک می‌گذارد. مقام‌های سابق و کنونی اطلاعاتی گفته‌اند که در یک سال گذشته مظنونان تروریستی داعش از روش‌های بسیار پیچیده‌ای برای کدگذاری ارتباطات بهره برده و از نرم‌افزارهای جدیدی چون «Tor» که آژانس‌های اطلاعاتی قادر به رهگیری آنها نیستند، استفاده کرده‌اند - تغییری که برخی از مقام‌ها می‌گویند به‌واسطه افشاگری‌های «ادوارد اسنودن»، مقاطعه‌کار سابق آژانس امنیت ملی آمریکا، روندی سریع یافته است. نتیجه این اقدامات از سوی داعش را می‌توان در حملات روز جمعه پاریس شاهد بود: دست‌کم هشت تروریست مسلح به سلاح گرم و کمربندهای انتحاری که اکثرا موردحمایت شبکه‌ای بودند، توانستند این حمله با این تعداد کشتار را بدون آنکه آژانس‌های اطلاعاتی فرانسه و غربی از آن سرنخی داشته باشند، انجام دهند. «علی صوفان»، یکی از مقام‌های ارشد و سابق مقابله با تروریسم، که اکنون ریاست یک شرکت امنیت ملی را برعهده دارد، با هشداردادن نسبت به افزایش روزافزون خطرات داعش، می‌گوید: به طور حتم، این یک شکست اطلاعاتی است. او به این مسئله اشاره می‌کند که حملات پاریس نیازمند طراحی جامع، شامل حمایت از یک شبکه از حامیان داعش بوده است که احتمالا به تأمین سلاح و مواد منفجره و همچنین رهگیری اهداف و انجام عملیات ضد اطلاعاتی دست زدند. در یک‌سال‌ونیم گذشته، مقام‌های اطلاعاتی و پلیس غرب مسئله تهدیدهای مرتبط با شبه‌نظامیان خارجی شامل صد آمریکایی و هزاران دارنده پاسپورت‌های اروپایی را، که به عراق و سوریه رفته تا با داعش همکاری کنند و به کشورهای خود بازگشته‌اند، مطرح کرده‌اند. اما تاکنون مقام‌های آمریکایی به این مسئله تمایل داشته‌اند این تهدید را از جانب شبه‌نظامیان تکرو بدانند - به‌طوری‌که شخصی از مقام‌های آمریکایی آنها را جویندگان شکوه و عزت نامیده بود. آنها این ایده را که داعش تمایل و توانایی انجام طیف وسیعی از حملات نظیر آنچه در ۲۰۰۱ در آمریکا رخ داد را دارد، کم‌اهمیت شمرده‌اند. یکی از افسران ارشد و سابق پلیس آمریکا که در دولت «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا تهدیدهای داعش را بررسی و نظارت می‌کند، گفت: این گروه رادیکالی می‌تواند هرجایی را هدف قرار دهد. مقام‌های آمریکایی چندین‌بار تاکنون نسبت به انجام حملاتی شبیه به بمبئی در داخل خاک آمریکا هشدار داده‌اند. اما آنچه باعث هشدار به مقام‌های اطلاعاتی و پلیس آمریکا شده این است که شناسایی و خنثی‌کردن حملات این تروریست‌ها به‌شدت سخت و دشوار شده چون نمی‌توانند ارتباطات داعش را به‌راحتی رهگیری کنند. چند هفته قبل، «نیک راسموسن»، مدیر کنونی مرکز ملی مقابله با تروریسم آمریکا به کمیته کنگره گفت که عاملان تروریستی توانایی قابل‌ملاحظه‌ای در ارتباطات دارند و همین امر روند رهگیری آنها را سخت‌تر می‌کند.

یادداشت

بن‌بست داعش در خاورمیانه و بی‌پروایی در اروپا

الیور روی*

همان‌گونه که پرزیدنت اولاند اعلام کرد، فرانسه در حال جنگ با «داعش» است. اکنون این گروه بزرگ‌ترین دشمن فرانسه قلمداد می‌شود. فرانسه در حال نبرد علیه داعش در کنار آمریکایی‌ها در خاورمیانه و شمال آفریقاست. فرانسه از زمان حمله به مالی در سال ۲۰۱۳ میلادی متعهد به نبرد علیه آن گروه شده است و سهم بیشتری را در این راه در مقایسه با آمریکا ایفا کرده است.

جمعه گذشته فرانسه بهای این ایفای نقش را پرداخت. پس از آن بود که تمام جهان غرب یکپارچه پیام همبستگی خود را اعلام کرد. بااین‌حال، فرانسه یکه‌وتنها ایستاده است و داعش را بزرگ‌ترین تهدید استراتژیک دنیای امروز می‌داند.

بازیگران اصلی در خاورمیانه، دشمنان دیگر را مهم‌تر قلمداد می‌کنند. روسیه، اصلی‌ترین حامی «بشار اسد»، اپوزیسیون سوریه را هدف قرار داده است. دولت ترکیه نیز به‌طور آشکار نشان داده که جدایی‌طلبی کُردی را بزرگ‌ترین تهدید علیه خود می‌داند. پیروزی کردهای سوریه بر داعش احتمالا به «پ‌ک‌ک» اجازه خواهد داد تا قدرت را در دست بگیرد و علیه ترکیه به اقدامات مسلحانه بیشتری دامن بزند. واقعیت آن است که کردهای سوریه یا عراق هیچ‌یک نابودی داعش برایشان بیش از دفاع از مرزهایشان اهمیت ندارد. آنان امیدوارند که جهان عرب بیش از پیش تقسیم و تجزیه شود. آنان سنجار را بازپس گرفتند چراکه آن منطقه جزء قلمرو کردی بود. بااین‌حال، آنان به موصل حمله نخواهند کرد چراکه در آنجا بازی می‌تواند به‌نفع بغداد تمام شود.

شیعیان عراق نیز از مرزهای تحت قلمرو خود دفاع می‌کنند و اجازه سقوط بغداد را نخواهند داد. بااین‌حال، آنان عجله‌ای برای بازگشت سنی‌ها به قدرت ندارند چراکه مجبور به تقسیم قدرت با آنان خواهند شد. برای سعودی‌ها، دشمن اصلی داعش نیست که نماینده‌ای از شکل رادیکالیسم سنی است که آنان همواره از این جریان حمایت کرده‌اند. در نتیجه، سعودی‌ها به‌هیچ‌عنوان مخالف داعش نیستند؛ دشمن اصلی آنان ایران است.

رژیم اسرائیل نیز تنها خرسند است که می‌تواند تماشا کند که چگونه حزب‌الله با اعراب در حال نبرد است و سوریه در حال فروپاشی و سرنوشت جنگ نامشخص است و سبب شده تا مسئله فلسطین به فراموشی سپرده شود.

در کوتاه‌مدت هیچ‌یک از بازیگران منطقه‌ای تمایلی به ارسال نیروهای خود در حوزه میدانی ندارند. استراتژی امروز آمریکا برخلاف دوران ۱۱ سپتامبر متکی به جنگ از راه دور براساس حملات هوایی است. واشنگتن فاقد اراده سیاسی برای اعزام نیروهای زمینی است و به‌همین‌خاطر از پهپادها استفاده می‌کند.

حمله اخیر پاریس نشان داد که داعش دارای محدودیت‌هایی در عرصه ضربه‌زدن است. داعش را به‌سختی می‌توان یک «دولت اسلامی» قلمداد کرد. آن گروه برخلاف طالبان هیچ مرز و محدوده خاصی را معرفی نکرده است. آن گروه بیشتر شبیه یک خلافت است که سرزمین‌های تازه‌ای را فتح می‌کند و می‌خواهد با رویکردی توسعه‌طلبانه مسلمانان جهان را در یک نقطه گردهم آورد. همین دیدگاه است که ایده مبارزه برای برداشت جهانی از اسلام توسط آن گروه را پیش می‌برد و سبب عضویت اعضای داوطلب در آن شده است. بااین‌حال، داعش در گسترش قلمرو خود با محدودیت‌هایی مواجه است. آن گروه نمی‌تواند به شمال عراق که کردنشین است پیشروی داشته باشد. در شرق عراق نیز شیعیان حضور دارند و در نقاط غربی علوی‌ها سکونت دارند که از سوی روس‌ها مورد حفاظت قرار می‌گیرند. تمام این گروه‌ها علیه داعش مقاومت می‌کنند. در جنوب نیز نه لبنان که درباره وضعیت پناه‌جویان سوری نگران است، نه اردن که هنوز خاطره اعدام نفرت‌انگیز یکی از خلبانانش را فراموش نکرده و نه فلسطینی‌ها هیچ‌یک علاقه‌ای به داعش ندارند. همین به‌بن‌بست‌رسیدن داعش در خاورمیانه سبب شده تا آن گروه به‌گونه‌ای بی‌پروا به جهانی‌کردن تروریسم خود بیندیشد.

حمله علیه حزب‌الله در بیروت، حمله علیه روس‌ها در شرم‌الشیخ و حملات پاریس همگی در راستای یک هدف داعش بوده‌اند: ترور. بااین‌حال، اعدام خلبان اردنی باعث ایجاد حس میهن‌پرستی حتی در میان جمعیت ناهمگن ساکن اردن شد. حملات در پاریس باعث ایجاد حس نبرد علیه داعش با انگیزه ملی شد. واقعیت آن است که داعش نیز چون القاعده در میان جمعیت مسلمان ساکن اروپا حمایت چندانی ندارد و تنها متکی به جذب نیرو از میان گروه‌های حاشیه‌ای است.

پرسش اصلی آن است که چه راه‌حلی باید برای مقابله با داعش پیدا کرد. ایجاد یک ائتلاف نظامی گسترده بین‌المللی همانند حمله علیه افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی گزینه‌ای ازرده‌خارج است چراکه تنها سبب درگیرشدن منطقه در درگیری‌های بی‌پایان محلی می‌شود. به نظر می‌رسد راه‌حل مهم، ایجاد یک توافق سیاسی میان بازیگران منطقه‌ای است؛ این کار را باید با عربستان‌سعودی و ایران آغاز کرد. راهی طولانی پیش‌روست مگر آنکه داعش به دلیل غرور ناشی از آرمان توسعه‌طلبانه خود یا تنش میان اعضای خارجی‌اش از درون فروپاشد.

*نویسنده کتاب «اسلام جهانی‌شده»